

روابط بین الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی (۲)

ابراهیم امینی

دوستی با کفار در حال اضطرار و تقیه

ندارد، بطور صوری و موقت می تواند در برابر دولتهای کفر اظهار دوستی و نرمش نماید و بدین وسیله در تقویت بنیاد دفاعی خویش بکوشد و اوضاعش را سروسامان بدهد. وهم چنین اگر مصالح اسلام اقتضا کند که بوسیله مدارا و نرمش، کفار را به سوی اسلام جذب نموده و اسلام را ترویج کند می توان با

هدف قرآن از نهی ولایت و دوستی با کفار، حفظ استقلال و آزادی و قدرت امت اسلام می باشد. بنابراین اگر مصالح اسلام و مسلمین اقتضا کرد، حکومت اسلامی می تواند بطور موقت با کفار رابطه و ارتباط برقرار سازد. مثلاً در صورتیکه حکومت اسلامی احساس کرد که در برابر قدرت کفر تاب مقاومت

کفار اظهار دوستی نمود.

در قرآن نیز بدین مطلب اشاره شده است:

«لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْيَةً وَ يَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ الْمَصِيرُ»^۱
در این آیه هر چند که ولایت و دوستی با کفار ممنوع شده ولی صورت تقیه استثناء شده است.

موضوع تقیه در روایات زیادی وارد شده است. از جمله در تفسیر صافی در ذیل آیه «الآن تتقوا منهم تقية» از کتاب احتجاج از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «وامرک ان تستعمل التقية في دينك فان الله يقول: وایاک ثم ایاک ان تعرض للهلاک وان ترک التقية التي امرتک بها، فانک شائط بدمک

ودماء اخوانک، معرض لزوال نعمک ونعمهم، مذلهم فی ایدی اعداء دین الله وقد امرک الله باعزازهم». (المیزان - ج ۳ - ص ۱۶۲)

و از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «کان رسول الله صلی الله علیه وآله يقول: لا ایمان لمن لا تقية له و يقول: قال الله تعالی: الا ان تتقوا منهم تقية»^۲.

و امام باقر (ع) فرموده اند: «التقية فی کل شیء یضطر الیه ابن آدم وقد احلّه الله له»^۳.

و امام حسن (ع) فرموده اند: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: «ان الانبياء انما فضلهم الله علی خلقه بشدة مداراتهم لاعداء دین الله وحسن تقیتهم لاجل اخوانهم فی الله»^۴.
و از کتاب تفسیر منسوب به امام

(۱) افراد با ایمان نباید غیر از مؤمنین کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند در هیچ چیز از خداوند نیست (یعنی رابطه او یکی از پروردگار گسسته می شود)، مگر اینکه از آنها بپرهیزد (و بخاطر هدفهای مهم تری تقیه کنید) و خداوند شما را از (نافرمانی) خویش بر حذر می دارد و بازگشت (شما) به سوی اوست. (آل عمران - ۲۸).

(۲) حضرت رسول اکرم (ص) همیشه می فرمود: کسی که تقیه نداشته باشد ایمان ندارد و حضرت اضافه می کردند که: خداوند تعالی فرموده: (کفار را دوست خود قرار مدهید) مگر اینکه از آنها پروا داشته باشید. (بحارالانوار، ج ۷۲ ص ۴۱۴ ط بیروت).

(۳) تقیه در هر امری است که انسان بدان امراضطرا پیدا کند و در این وقت است که خداوند تقیه را بر او روا داشته است. (بحارالانوار، ج ۷۲ ص ۴۳۵ ط بیروت).

(۴) حضرت رسول (ص) فرمود: خداوند پیغمبران را بر دیگر خلق خود از این جهت برتری داد، چون کاملاً با دشمنان خدا مدارا کرده و از برای حفظ برادران دینی خویش به بهترین وجهی تقیه می کردند. (بحارالانوار، ج ۷۲ ص ۴۰۱ ط بیروت).

از آیات و روایات استفاده می‌شود، در صورتی که حکومت اسلامی تشخیص بدهد که مدارا و نرمش و دوستی با کفار برای حفظ استقلال و موجودیت امت اسلام اصالح می‌باشد، می‌تواند بطور موقت چنین سیاستی را پیش بگیرد.

بن سلول فقال رسول الله بس اخوالعشيرة
 ائذنوا له فلما دخل اجلسه وبشرفى وجهه
 فلما خرج قالت له عايشة: يا رسول الله
 قلت فيه ماقلت وفعلت به من البشر ما
 فعلت؟ فقال رسول الله: يا عويش يا
 حميراء ان شر الناس عندالله يوم القيامة
 من يكرم اتقاء شهه»^۱

و بالجمله از آیات و روایات استفاده میشود، در صورتیکه حکومت اسلامی تشخیص بدهد که مدارا و نرمش و دوستی با کفار برای حفظ استقلال

حسن عسگری (ع) نقل شده: قال الصادق عليه السلام (فى قول الله تعالى): «وقولوا للناس حسناً» اى للناس كلهم مؤمنهم ومخالفهم اما المؤمنون فيسقط لهم وجهه واما المخالفون فيكتمهم بالمدارة لاجتذابهم الى الايمان فانه بايسر من ذلك يكف شرورهم عن نفسه وعن اخوانه المؤمنين. قال الامام عليه السلام ان مداراة اعداء الله من افضل صدقة المرء على نفسه واخوانه كان رسول الله فى منزله اذا استأذن عليه عبدالله بن ابي

(۱) امام صادق (ع) در باره آیه «وقولوا للناس حسناً» فرمودند: یعنی با تمام مردم (بزبان خوش صحبت کنید) چه مؤمنین و چه مخالفین، اما مؤمنین، پس با روی گشاده با آنها برخورد شود، و اما مخالفین، با آنها هم با مدارا برخورد گردد تا به سوی اسلام و ایمان جذب شوند و این (برای فرد مؤمن) آسانترین کاری است از برای اینکه خود و برادران ایمانی خود را از شر آنها در امان نگاهدارد.

و امام (ع) فرمودند: مدارا کردن شخص با دشمنان خدا، از بهترین صدقه‌هائی است که شخص از طرف خود و سایر برادران ایمانی خویش می‌پردازد، و حضرت رسول (ص) وقتی که عبدالله ابی [سردهسته منافقین] از حضرتش اجازه شرفیابی خواست، فرمود: (به) بدترین فرد این عشیره، اجازه دهید بیاید، و بعد از اینکه وارد شد، حضرت اجازه نشستن داده و با روی گشاده با او برخورد کرد، بعد از رفتنش، عایشه به حضرت عرض کرد: چگونه است که در باره‌اش چنان گفتید، ولی با روی گشاده با او برخورد کردید؟ حضرت فرمود: ای عویش و ای حمیراء، بدترین مردم در روز قیامت کسی است که بخاطر تقیه و ترس از شر و فسادش مورد اکرام و احترام قرار گیرد. (بحارالانوار، ج ۷۲ ص ۴۰۱ ط بیروت)

وموجودیت امت اسلام اصلح می باشد، می تواند بطور موقت چنین سیاستی را پیش بگیرد. لیکن به هر حال نباید اصل هدف را که توسعه و گسترش اسلام و استقلال و عظمت امت اسلامی است، فراموش نموده و برای حفظ مقام خویش سیاست سازش را پیش بگیرد.

پیمان همکاری و عدم تعرض با کفار

اگر کفار قصد خیانت و توطئه گری و سلطه جویی بر مسلمین را نداشته و میل داشته باشند که با صلح و صفا و مسالمت با آنها زندگی کنند، حکومت اسلامی برطبق تشخیص مصالح اسلام میتواند با آنها پیمان ببندد که بطور مسالمت آمیز در کنار هم زندگی نمایند و حتی در امور مشروع که نفع طرفین را در بر دارد همکاری و تعاون داشته باشند. در قرآن میفرماید:

«لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یرجوکم من دینارکم ان تبروهم وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دینارکم و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم ومن یتولهم فأولئک هم الظالمون»^۱.
ومی فرماید:

«وان جنحوا للسلم فاجنح لها وتوکل

علی الله انه هو السميع العليم»^۲.

و از بعض آیات هم استفاده میشود که رسول خدا چنین معاهداتی را با کفار داشته است. در قرآن میفرماید: «الا الذین عاهدتم من المشرکین ثم لم ینقضوکم شیئاً ولم یظاهروا علیکم احداً فآتیتموا الیهم عهدهم الی مدتهم ان الله یحب المتقین»^۳.

اگر به تاریخ اسلام و سیره رسول خدا مراجعه کنید می بینید که در طول

(۱) - خدا شما را از دوستی آنهایی که با شما در دین، قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیار و شهرهای خود، بیرون نکرده اند، نهی نمی کند تا از آنها دوری بجوئید، بلکه با آنها با عدالت و قسط رفتار کنید و خداوند کسانی را که با عدالت رفتار می کنند، دوست دارد. و خداوند تنها شما را از دوستی کسانی که با شما برای خاطر دینتان جنگیده و از دیار و شهرتان بیرون کرده اند و در بیرون کردنشان هم همدست شدند، نهی می کند و کسانی که (از شما) با آنها دوستی کنند، ظالم و ستمکارند. (ممتحنه - ۹ - ۸)

(۲) و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تونیز از در صلح درآ و برخدا تکیه کن که او شنوا و داناست. (انفال - ۶۱)

(۳) مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید و چیزی از آن فروگذار نکردند و احدی را برضد شما تقویت

ننمودند، پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمارید، زیرا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. (توبه - ۴)

سالهای نبوتش معاهداتی را با کفار منعقد ساخته و بدانها وفادار بوده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود:

اول: هنگامیکه به مدینه هجرت فرمود پیمانی را در بین مهاجرین و انصار و یهود منعقد ساخت که متن آن پیمان مهم در تاریخ باقی مانده است که به فرازهایی از آن که مربوط به بحث ماست اشاره میشود:

۱ - وانه من تبعنا من یهود فان له النصر والاسوة غیر مظلومین ولا متناصرین علیهم. یعنی هر فردی از یهود که از ما پیروی کند از کمک و یاری ما برخوردار خواهد بود و در بین مسلمانان او تفاوتی نخواهد بود و کسی حق ندارد بر او ستم کرده یا دشمن او را یاری دهد.

۲ - وان الیهود ینفقون مع المؤمنین ماداموا محاربین. یعنی هنگامیکه در حال جنگ هستند یهودیان هزینه جنگی خودشان را بپردازند.

۳ - للیهود دینهم وللمسلمین دینهم. یعنی هر یک از یهود و مسلمین در عمل کردن به دینشان آزاد هستند.

۴ - وان علی الیهود نفقتهم وعلی المسلمین نفقتهم وان بینهم النصر علی من حارب اهل هذه الصحیفة. یعنی هر کس

که با متحدان این پیمان بجنگد مسلمین و یهود متحداً با او بجنگند و هر یک از آنها هزینه جنگی خویش را بپردازند.

۵ - وان بینهم النصح والنصیحة والبر دون الاثم. یعنی مسلمین و یهود تعهد میکنند که در خیرخواهی و نیکی تعاون نمایند نه در گناه و بدی.

۶ - وان بینهم النصر علی من دهم یشرب. یعنی امضاء کنندگان این پیمان مشترکاً از مدینه دفاع نمایند. (سیره ابن هشام ج ۲ ص ۱۴۷ - الاموال ص ۲۹۰)

چنانکه ملاحظه میفرمائید پیامبر در این معاهده سه نوع پیمان را با یهود امضاء کرده است:

۱ - پیمان مشترک دفاعی و پرداخت هزینه‌های جنگ بالسویه.

۲ - آزادی انجام مراسم دینی.

۳ - تعاون و همکاری در کارهای خوب.

دوم: پیمان صلح حدیبیه - این پیمان را پیامبر اکرم در محلی بنام حدیبیه با کفار و مشرکین مکه با امضاء رسانید که به فرازهایی از آن اشاره میشود:

۱ - مسلمین و قریش متعهد میشوند که تا مدت چهار سال (یا ده سال) ترک محاصره نمایند و متعرض یکدیگر

نشوند.

۲ - مرتکب خیانت و سرقت نشوند
واموال یکدیگر را محترم بشمارند.

۳ - هر مسلمانی که بقصد حج یا عمره یا سفر به یمن یا طائف وارد مکه شد در امان خواهد بود و همچنین هر یک از مشرکین که بقصد شام یا مشرق به مدینه وارد شد در امان است.

۴ - مسلمانان و قریش میتوانند با هر قبیله‌ای که خواستند هم پیمان شوند و پیمانشان محترم خواهد بود.

۵ - مسلمین و قریش متعهد میشوند که نسبت به همدیگر عداوت و دشمنی و خدعه نکنند و کینه یکدیگر را بدل نگیرند.

۶ - محمد و یارانش سال دیگر میتوانند بقصد مراسم حج وارد مکه شوند مشروط بر اینکه بدون سلاح باشند و بیشتر از سه روز در مکه توقف ننمایند. (الاموال ص ۲۳۰ - سیره حلبی ج ۳ - ص ۲۴)

سوم: پیمان و امان نامه‌ای که به یوحنا زمامدار ایله نوشته و متن آن چنین است:

این امانتنامه‌ای است از خدا و رسول خدا به یوحنا فرزند روبه و اهالی

ایله: خود آنها و کشتیها و سیارات دریایی و زمینی آنان در پناه خدا و رسولش میباشد و هم چنین مردمانی که از شام و یمن و بحر، که از آن سرزمین عبور میکنند در امان خواهند بود. و مردمان ایله متعهد میشوند هر فردی که مرتکب قتل شد دیه آن را به اولیاء مقتول بپردازد و متعهد میشوند بر هر آبی که وارد شدند دیگران را از استفاده از آن محروم نسازند و راههای دریائی و خشکی خود را بر دیگران مسدود نسازند (الاموال ص ۲۸۷)

چهارم: پیمان با نصاری نجران که به فرازهایی از آن اشاره میشود:

۱ - اهالی نجران متعهد میشوند که هر ساله دوهزار حله (لباس مخصوص) در دونوبت، بعنوان مالیات به مسلمین بپردازند.

۲ - از فرستادگان محمد یکماه یا کمتر پذیرایی کنند و فرستادگان، بیش از یکماه در آنجا توقف ننمایند.

۳ - هرگاه که از جانب یمن جنگی بوقوع پیوست، اهالی نجران به عنوان همکاری با حکومت اسلامی، سی عدد زره و سی رأس اسب و سی رأس شتر به عنوان عاریه مضمونه در اختیار سپاهیان

اسلام قرار بدهند.

۴ - اهالی نجران و اطرافش در پناه خدا ورسولش خواهند بود. جان و مال و معابد آنها در امان خواهد بود. اسقفها و راهبان و خادمین معابد به کار خویش ادامه خواهند داد و کسی مانع آنها نخواهد شد.

۵ - هیچکس حق ندارد آنان را از سرزمینشان تبعید کند یا از آنها عشریه بگیرد یا وطنشان را مورد هجوم سپاه قرار دهد.

۶ - هرکس که مطالبه حق نمود با انصاف و عدالت با آنها رفتار شود.

۷ - هیچیک از آنها بجرم دیگری گرفتار نشود.

۸ - مردمان نجران متعهد میشوند که از رباخواری خودداری نمایند و در غیر اینصورت محمد از آنان بیزار بوده و تعهدی در برابرشان ندارد. (فتح البلدان ص ۷۶ - الاموال ص ۲۷۲)

از آیات مذکور و معاهدات پیامبر با کفار که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد، استفاده میشود که دولت اسلامی در صورتیکه مصالح اسلام و مسلمین اقتضاء کند میتواند با کفار و مشرکین و اهل کتاب پیمان همکاری و تعاون در

کارهای خیر که به مصالح طرفین باشد، منعقد سازد. پیمان، تبادلات علمی باشد یا کشاورزی یا صنعتی یا تجاری و اقتصادی یا دفاعی یا پیمان عدم تعرض و یا پیمانهای دیگر. البته تجویز عقد چنین پیمانهایی مشروط بر اینست که باعث سلطه جویی و دخالت و نفوذ کفار در امور داخلی کشور اسلام نباشد و با استقلال و آزادی امت اسلام لطمه نزنند و خلاصه در عقد هر پیمانی باید حفظ استقلال و عظمت کشور اسلام منظور نظر حاکم اسلام باشد، نه اینکه برای حفظ مقام خویش، ولایت کفار را قبول کند و امت اسلام را به بند اسارت بکشد. حکومت اسلامی باید همواره دشمنی و عداوت ذاتی کفار و توطئه‌گرها و نقشه‌های شوم کفار و مخصوصاً یهود را در نظر داشته باشد و اگر هم پیمانی منعقد میسازد کاملاً مراقبت کند که وسیله نفوذ و سلطه‌گریهای کفار را فراهم نسازد.

وفای به معاهدات و پیمانها

اگر دولت اسلامی بر طبق صلاحدید خود، و بدون تحمیل و اجبار، با دولتی دیگر یا اشخاص یا شرکتهای

اگر دولت اسلامی برطبق صلاحدید خود ، وبدون
تحمیل و اجبار، با دولتی دیگر یا اشخاص یا شرکتهای
وابسته به کشورهای خارج، قراردادی را به امضاء رسانید
باید به عهد و پیمانش عمل کند.

کفار و اهل کتاب را نیز شامل میشود،
بعلاوه در بعض آیات خصوص معاهده با
کفار تصریح شده است. در قرآن
می فرماید:

الا الذین عاهدتم من المشرکین ثم لم
ینقضوکم شیئاً ولم یظاهروا علیکم احداً
فاتموا الیهم عهدهم الی مدتهم ان الله
یحب المتقین.^۱

در این باره روایاتی نیز وارد شده
است: امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن
نامه اش به مالک اشتر می نویسد:

«وان عقدت بینک و بین عدولک عقدة
اوالبسته منک ذمة فحط عهدک بالوفاء وارع
ذمتک بالامانة واجعل نفسک جنته دون ما
اعطیت فانه لیس من فرائض الله شیء

وابسته به کشورهای خارج، قراردادی را
به امضاء رسانید باید به عهد و پیمانش
عمل کند، و در آیات قرآنی واحادیث
بدین مطلب تاکید شده است. در قرآن
میفرماید:

یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود.^۱
ومی فرماید: والذینهم لاماناتهم
وعهدهم راعون.^۲

ومی فرماید: و اوفوا بعهد الله اذا
عاهدتم ولا تنقضوا الیمان بعد توکبدها
وقد جعلتم الله علیکم کفیلاً ان الله یعلم
ما تفعلون.^۳

در این آیات وفای به عهود و عقود از
علائم ایمان شمرده شده و واجب گشته
است. و اطلاق این آیات، حتی پیمان با

(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانها و قراردادهای خود وفا کنید. (مائده - ۱)

(۲) و آنها که امانتها و عهد خود را مراعات می کنند. (مؤمنون - ۸)

(۳) هنگامی که عهد و پیمان بستید، به عهد خدا وفا کنید و سوگندهای خود را بعد از تاکید نشکنید، در حالی که
خدا را کفیل و ضامن (برسوگند) خود قرار داده اید، خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است. (نحل - ۹۱)

(۴) مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید و چیزی از آن فروگذار نکردند و احدی را برضد شما تقویت
نموندند، پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمارید، زیرا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. (توبه - ۴)

الناس اشد عليه اجتماعاً مع تفرق اهوائهم
 ونشتت آرائهم من تعظيم الوفاء بالمهود.^۱
 ورسول خدا(ص) فرمود: من كان
 يؤمن بالله واليوم الآخر فليف اذا وعد.^۲
 و همچنین پیامبر اسلام(ص)
 فرمودند: «يجب على المؤمن الوفاء بالمواعيد
 والصدق فيها».^۳

وفای بعهده یکی از فضائل
 و کمالات انسانی است که فطرت
 انسانها به حسن آن توافق دارند و اسلام
 هم نسبت بدان تأکیدات فراوان دارد،
 مسلمان باید نسبت به عهود و قرارهایش
 کاملاً وفادار باشد گرچه به ضرر مادی
 او هم تمام شود. در نظر اسلام پیمان در
 هر شرایط محترم است و لوطرف پیمان
 فاسق یا کافر باشد. مسلمین باید با
 اعمالشان به دیگران درس انسانیت
 و فضیلت و دوستی بدهند.

شما اگر به سیره پیامبر گرامی
 اسلام مراجعه کنید می بینید که به عهود
 و معاهداتش کاملاً مقید بوده و مادام که

از طرف دیگر نقض نمیشد نسبت به آن
 وفادار بود. مثلاً پیامبر اسلام در صلح
 حدیبیه با مشرکین پیمان بسته بود که
 افرادی از قریش را که از مکه به سوی
 مدینه فرار کنند تحویل آنها بدهد، بعد
 از خاتمه قرارداد اتفاقاً شخص تازه
 مسلمانی بنام ابوبصیر از مکه گریخته و
 وارد مدینه شد. مشرکین شخصی را
 پیش پیامبر فرستادند که به قرار خود
 عمل کرده و ابابصیر را تحویل ما بده.
 رسول خدا(ص) به ابوبصیر فرمود: با
 این مردم پیمان بسته ایم که فراریان را
 تحویل دهیم و در دین ما غدر و تخلف از
 معاهده جایز نیست تو با آنها برو
 و مطمئن باش که خدا بزودی برایت راه
 نجاتی فراهم خواهد ساخت. ابوبصیر
 عرض کرد: یا رسول الله مرا به مشرکین
 تحویل میدهی که دینم را از دستم
 بگیرند؟ فرمود: ای ابابصیر باید نسبت
 به پیمانم وفادار باشم، با آنها برو
 و یقین داشته باش که خدا برای تو

(۱) و اگر با دشمن پیمانی بستنی و او را از جانب خویش (پوشش) امان و آسودگی بپوشاندی، به پیمان وفادار باش و پناه دادنت را بدرستی رعایت کن، و خود را سپر پیمان و وعده ای که داده ای، قرار بده، زیرا چیزی از واجبات خدا در اجتماع مردم، با اختلاف هواها و پراکندگی اندیشه شان، بزرگ تر از وفای به پیمانها نیست. (نهج البلاغه فیض ص ۱۰۲۷ نامه ۵۳)

(۲) کسی که بخدا و روز قیامت ایمان آورده، اگر وعده ای کرد، به وعده خود وفا کند. (کافی، ج ۲ ص ۳۶۳)

(۳) بر مؤمن واجب است که در وعده های خود راستگو بوده و به آنها وفا کند. (مستدرک ج ۲ ص ۸۵)

وسایر مستضعفین راه نجات و گشایشی قرار خواهد داد. (سیره ابن هشام ج ۳ - ۳۲۷)

در قضیه صفین که امیرالمؤمنین علی علیه السلام ناچار شد با معاویه پیمان صلح معهود را بامضاء برساند بعد از آن که خوارج به اشتباه خودشان پی بردند، به علی بن ابیطالب (ع) پیشنهاد کردند که قرارداد را نقض کند حضرت فرمود:

و یحکم أبعده الرضا والعهد نرجع؟ اولیس الله یقول اوفوا بالعقود وقال اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الیمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلاً ان الله یعلم ما تفعلون. (وقعة صفین لابن مزاحم ص ۵۱۴)

بهر حال پیامبر گرامی اسلام و خلفای پیامبر و ائمه علیهم السلام در زندگی شخصی و اجتماعی خود نسبت به عهود و قراردادهای کاملاً مقید بودند

و اصولاً وفای به عهود از علائم اسلام و ایمان بشمار رفته است. فقط در صورتی میتوان معاهده را نقض کرد که طرف دیگر آن را نقض کرده و یا قصد نقض و خیانت داشته باشد و این موضوع در آیات قرآنی هم مکرراً آمده است خداوند متعال میفرماید:

«و اما تخافن من قوم خیانة فانبد الیهم

علی سواء ان الله لایحب الخائنین».^۲

و همچنین می فرماید: «وان نکثوا

ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم

فقاتلوا ائمة الکفر انهم لا امان لهم لعلهم

ینتهون».^۳

و می فرماید: «الآ تقاتلوا قوماً

نکثوا ایمانهم و هم قوا باخراج الرسول و هم

بدؤکم اول مرة اتخضونهم فالله احق ان

تخضوه ان کنتم مؤمنین».^۴

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱) وای بر شما! آیا بعد از رضایت و پیمان، از عهد و پیمان خود برگردیم؟ مگر خداوند نفرموده است که هنگامی که عهد و پیمان بستید، به عهد خود وفا کنید و فرموده است هنگامی که عهد و پیمان بستید، به عهد خدا وفا کنید و سرگندهای خود را بعد از آن کید نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن (برسوگند) خود قرار داده اید، خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

(۲) وهرگاه (با ظهور نشانه هائی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته و غافلگیرانه حمله کنند) بطور عادلانه به آنها اعلام کن (که پیمانشان لغو شده است) زیرا خداوند خائنان را دوست نمی دارد. (انفال - ۵۸)

(۳) و اگر پیمانهای خود را پس از (بستن) عهد بشکنند و آئین شما را مورد ظمن قرار دهند، پس با پیشوایان کفر پیکار کنید، چرا که آنها پیمانی ندارند، شاید دست بردارند. (توبه - ۱۲)

(۴) آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی کنید؟ در حالی که آنها اول (پیکار با شما) شروع کردند، آیا از آنها می ترسید؟ بدرسیتکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن باشید. (توبه - ۱۳)

دولت اسلامی موظف است از لحاظ نیروی جنگی و تجهیزات نظامی آنچنان خودش را نیرومند گرداند که برتری و تفوق او بر جهانیان محرز گردد. تا دشمنان اسلام همواره مرعوب قدرت او بوده و فکر خیانت و تجاوز هیچگاه در مغزشان خطور نکند.

بر جهانیان محرز گردد. تا دشمنان اسلام همواره مرعوب قدرت او بوده و فکر خیانت و تجاوز هیچگاه در مغزشان خطور نکند. در قرآن میفرماید:

«واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم وآخرين من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم ومانفقوا من شىء فى سبيل الله يوف اليكم وانتم لا تظلمون»^۱.

در این آیه خداوند متعال همه مسلمین را مخاطب قرار داده (نه فقط پیامبر را) و می فرماید: آنچه در توان دارید بکوشید و نیروی کاملاً مجهزی را فراهم سازید. نیرویی که در تمام ابعاد، فوق نیروهای دیگر باشد. از جهت تجربه و تمرینهای نظامی

و این مطلب نیز در سیره خود پیامبر اسلام و خلفایش مشاهده میشود. چنانکه در صلح حدیبیه مادام که مشرکین به پیمان خود، وفادار بودند آن حضرت نیز به عهد خود وفادار بودند و تنها هنگامیکه بعض مواد پیمان از طرف مشرکین نقض شد آن جناب پیمان را برهم زده و اعلان جنگ داد.

ارعاب دشمنان

یکی از نکات جالب و مهم سیاست خارجی دولت اسلامی، سیاست ارعاب دشمنان است. دولت اسلامی موظف است از لحاظ نیروی جنگی و تجهیزات نظامی آن چنان خودش را نیرومند گرداند که برتری و تفوق او

(۱) در برابر آنها - دشمنان - آنچه توانائی دارید، از نیرو آماده سازید و (همچنین) اسبهای ورزیده، تا بوسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد، و هر چه در راه خدا اتفاق کنید به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد. (انفال - ۶۰)

ونقشه‌های جنگی، وسلاحهای مدرن و پیشرفته، ووسائل نقلیه زمینی وهوائی آنچهان خودتان را نیرومند سازید که از تمام دشمنان اسلام برتر و نیرومندتر باشید. آنهم نه تنها دشمنان موجود و شناخته شده بلکه به فکر دشمنانی هم باشید که شما از آنها اطلاع ندارید لکن خدا از آنها آگاه است. جمله «وآخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم» کلام بسیار جالب وقابل توجهی است. در این آیه به مسلمین میگوید آنچهان خودتان را نیرومند سازید که دشمنان اسلام،

حتی کسانی که شما از آنها اطلاع ندارید، مرعوب گردند وهیچگاه بفکر توطئه وتجاوز نیفتند. وبهمین وسیله نیروهای تجاوزگر ومستکبر جهان را مهار کنید تا فساد وفتنه وتجاوز واستعمار وستم از زمین ریشه کن گردد. ودر این راه مقدس که خواسته الهی است هرچه نیرو صرف کنید، چه نیروی مالی وچه نیروی نفسی، پاداش همه را خواهید دید. چون شما برای یک هدف مقدس ومهم الهی وانسانی تلاش میکنید، نه برای حکومت وجاه ومقام.

ادامه دارد

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا شَرَفَ أَعْلَىٰ مِنَ الْإِسْلَامِ وَلَا كَرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَىٰ وَلَا مَعْلَىٰ أَحْرَزُ مِنَ الْوَرَعِ وَلَا شَفِيعَ أَنْجَحَ مِنَ التَّوْبَةِ وَلَا لِبَاسَ أَجْمَلٍ مِنَ الْعَافِيَةِ وَلَا وَفَايَةَ أَمْتَعُ مِنَ السَّلَامَةِ

ای مردم بر راستی که شرافتی برتر از اسلام نیست، ومقام ارجمندی عزیزتر از مقام تقوی نیست وپناهگاهی محکم تر از ورع (و پارسائی) نیست، واسطه وشفیعی نجات بخش تر از توبه (وبازگشت بسوی حق) نیست، وجامه ای زیباتر از تندرستی نیست ونگهداری بهتر از سلامت نیست.

از خطبه وسیله امیرالمؤمنین (علیه السلام)

روضه کافی ج ۱ ص ۲۶۵